

نگاهی به شاخص‌های الگوی آموزشی در اندیشه و عمل آیت‌الله العظمی میلانی
در گفت‌وگو با آیت‌الله سید محمد حسینی زنجانی

مرجع شاگردپرور



جواد اسماعیلی | در تاریخ حوزه‌های علمی شیعه، بعضی نام‌ها تنها به واسطه آثار مکتوب یا مناصب علمی برجسته نشده‌اند؛ بلکه به دلیل پیوندی زنده با «مکتب»‌هایی ماندگار در حافظه علمی و اخلاقی حوزه ماندگار هستند. مکتب‌هایی که در آن‌ها، علم از اخلاق جدا نیست و فقاقت، بدون تهذیب معنا نمی‌یابد. آیت‌الله العظمی سید محمد هادی میلانی، از همین دست شخصیت‌هاست؛ مرجعی که حضورش در مشهد، نه فقط یک جابه‌جایی جغرافیایی، بلکه نقطه عطفی در تاریخ علمی و تربیتی حوزه خراسان بود. شناخت این مکتب، بیش از هر چیز، نیازمند شنیدن صدای شاگردانی است که در متن این فضا پرورش یافته‌اند. این گفت‌وگو، روایتی است از دل همان تجربه زیست شده؛ روایتی عالمی که هم از نسبت خانوادگی با مرجعیت برخوردار است و هم از درون مجلس درس، سلوک آموزشی و اخلاقی استاد را لمس کرده. آیت‌الله سید محمد حسینی زنجانی، فرزند آیت‌الله العظمی سید عزالدین حسینی زنجانی و از شاگردان آیت‌الله العظمی میلانی، از جمله کسانی است که سال‌ها در محضر آن مرجع بزرگ تلمذ کرده و از نزدیک، با شیوه تدریس، تربیت شاگردان و منش علمی و معنوی او آشنا بوده است. سخن او، نه گزارش شنیده‌ها، بلکه بازخوانی دیده‌ها و زیسته‌هاست. در این گفت‌وگو، تصویر آیت‌الله العظمی میلانی، از قالب کلیشه‌های رایج فراتر می‌رود؛ تصویری از عالمی که درس خارجش محل اجتماع بزرگان بود، اما در عین حال، با روی گشاده نقد می‌شنید، گفت‌وگو می‌پذیرفت و از طرح مباحث علمی دیگر اساتید، نه تنها پرهیز نداشت، بلکه آن را نشانه بالندگی می‌دانست.

خارج ایشان حاضر شدم تا زمانی که ایشان رحلت کردند.

تشویق، اعتماد و پرورش استعدادها استوار بود. علاوه بر این‌ها، سعه صدر علمی، احترام عملی به طلاب و ادب کم‌نظیر در تعامل انسانی، بُعدی از مرجعیت را نشان می‌دهد که کمتر در متون رسمی بازتاب یافته است. این گفت‌وگو، در نهایت، تلاشی است برای بازماندگی یک «مکتب»؛ مکتبی که در آن، علم، اخلاق، تواضع و تربیت شاگرد، در کنار هم معنا می‌یابد و مرجعیت، پیش از آنکه عنوانی فقهی باشد، مسئولیتی انسانی است.

■ لطفاً کمی از آغاز آشنایی و دوران شاگردی خود نزد حضرت آیت‌الله العظمی میلانی بفرمایید.

من حدود هفت سال افتخار شاگردی ایشان را داشتم. پیش از آن نیز در مدرسه‌ای که کنار منزل خودشان بود، مشغول تحصیل بودم. آن مدرسه بعدها به مدرسه امام صادق (ع) تبدیل شد. در سال ۱۳۴۷ ش اساتدم، مرحوم آقای علم‌الهدی، به من گفتند که در درس خارج آقای میلانی شرکت کنم. عرض کردم که هنوز خودم را در آن سطح نمی‌بینم که درس ایشان را بفهمم. اما آقای علم‌الهدی فرمودند: بیا، با هم می‌رویم. استاد و شاگرد به درس آیت‌الله العظمی میلانی رفتیم. به این ترتیب، هفت سال در درس

■ به عنوان یک شاگرد و کسی که مدتی نسبتاً طولانی محضر درس آیت‌الله العظمی میلانی را درک کرده‌است، نظرتان درباره جایگاه علمی ایشان چیست؟ این جایگاه چه ویژگی‌ها و خصائصی دارد؟ ایشان از نظر علمی شخصیت بسیار بزرگی بودند و برکات معنوی فراوانی برای حوزه علمیه مشهد داشتند. سابقه طولانی در نجف و کربلا داشتند و در مکتب بزرگانی چون شیخ محمدحسین اصفهانی، میرزای نائینی و آقاضیاء عراقی تربیت شده بودند. یکی از افتخارات علمی ایشان این بود که تسلط کاملی بر مبانی فکری و علمی استادان‌شان داشتند. خودشان می‌فرمودند که حرف‌های اساتیدشان را به خوبی شنیده و درک کرده‌اند و با همان تسلط قادر بودند مباحث مورد نظر را به طور کامل شرح و بسط دهند.

■ درباره شیوه تدریس و تربیت شاگردان چطور؟ مکتب آیت‌الله العظمی میلانی واقعاً شاگردپرور بود. مجتهد بودند، اما به افراد بسیار محدودی اجازه اجتهاد دادند؛ اگر اشتباه نکنم، فقط به سه نفر. درس‌های ایشان، به ویژه در تابستان‌ها، در شبستان سبزواری مدرسه گوه‌رشاد برگزار می‌شد. معمولاً برای استراحت از مشهد خارج می‌شدند، اما عصرها بازمی‌گشتند، قدری در منزل می‌نشستند، پس از نماز در جمع حاضر می‌شدند و بعد از نماز هم

سابقه علمی آیت‌الله میلانی در نجف و تربیت یافتگی در مکتب بزرگانی چون نائینی و آقاضیاء عراقی، نقش تعیین‌کننده‌ای در عمق و انسجام درس‌های ایشان داشت؛ تسلطی که امکان شرح و بسط دقیق دیدگاه‌های استادان پیشین را فراهم می‌کرد

از نجف و کربلا تا مشهد، سیر علمی او با نام بزرگانی چون شیخ محمدحسین اصفهانی، میرزای نائینی و آقاضیاء عراقی گره خورده بود و همین پشتوانه، به درس او عمق و اصالت می‌بخشید. محور دیگر این گفت‌وگو، نگاه تربیتی آیت‌الله العظمی میلانی به شاگردان است؛ نگاهی که بر

